



سال نو را به مردم زحمتکش ایران تبریک می گوئیم

نگاهی به مبارزات کارگری طی یک ماه گذشته

نمایندگان مرتجع مجلس مشغول چانه زنی بر سر پول هایی هستند که قرار است به عنوان طرح های عمرانی و غیره به جیب مبارک شان برود!!

کارگران در حالی به استقبال عید نوروز می روند که سفره های شان علی رغم وعده های احمدی نژاد دست آموز خامنه ای نسبت به سال قبل باز هم خالی تر شده است. کارگران شیشه میرال تنها کارگرانی نیستند که حقوق

در صفحه ۵

”موقع عید و سال نو مجبوریم نگاه های حسرت زده ی زن و بچه های مان را ببینیم، به همین دلیل و از جایی که دیگر تحمل اش را نداریم، تا زمانی که حقوق و مزایای عقب افتاده مان را دریافت نکنیم آتش سوزی ها ادامه دارد.“ این سخنان کارگران شیشه میرال است که تنها ۲ هفته مانده به عید نوروز با بر پا کردن آتش در مقابل درب کارخانه خواستار احقاق حقوق خود شده بودند. کارگران شیشه میرال در حالی ۱۱ ماه حقوق خود را طلب کارند که آخوندها و

تظاهرات زنان به مناسبت روز جهانی زن

در تهران سرکوب شد

۴

اعدام، سلاحی برای سرکوب و اختناق

زندان شده بود. اعدام این دو در حالی صورت گرفت که آن ها در زیر شکنجه مجبور به اعتراف به بمب گذاری شدند و در جریان به اصطلاح "دادرسی"، متهمین فاقد هر گونه حقوقی از جمله حق داشتن وکیل بودند. رژیم جمهوری اسلامی در حالی دست به اجرای این "نمایش" زد که در طول حیات ننگین اش بارها از این روش در سرکوب مخالفان سیاسی استفاده کرده است.

در صفحه ۷

در پی اعدام چندین زندانی سیاسی و عقیدتی در تهران و کردستان طی دو ماه گذشته، روز ۱۱ اسفند "حکومت اسلامی" دو نفر از مخالفان سیاسی عرب را در یکی از خیابان های اصلی شهر اهواز و در پیش چشمان مردم به اتهام بمب گذاری اعدام کرد. "علی عفرای" یکی از اعدام شدگان دانش آموز بود و پیشتر پدر او که پزشک است به اتهام مداوای مجروحین در جریان سرکوب قبلی توده ها در اهواز توسط رژیم، محکوم به تحمل سال های طولانی

عواقب احتمالی منازعه دولت آمریکا و جمهوری اسلامی

با ارجاع رسمی پرونده هسته ای جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل، آمریکا بن بست را که در مذاکرات طرفین درگیر پدید آمده بود، به نفع خود درهم شکست. نتیجه یک چنین اقدامی این خواهد بود که از این پس باید هر احتمالی را در جریان این منازعه مد نظر قرار داد. چرا که اکنون دیگر مسئله مذاکره و توافق در میان نیست. شورای امنیت تصمیم می گیرد و جمهوری اسلامی را موظف به اجرای تصمیمات خود می سازد. در شورای امنیت نیز با وجود این که ۵ عضو دارای حق وتو از حقوق برابر برخوردارند، اما در واقعیت در اینجا نیز قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی تعیین کننده است و دولت آمریکاست که سیاست خود را پیش می برد و حتا اعضای مخالف را گام به گام با خود همراه می سازد. درست به همان شیوه ای که پس از فروپاشی شوروی عمل کرده و به همین شکل در آژانس بین المللی انرژی هسته ای عمل کرد.

بنابراین، ارجاع پرونده هسته ای جمهوری اسلامی به شورای امنیت را باید مرحله ای کاملاً جدید در این منازعه در نظر گرفت که نتایج غیر قابل اجتنابی برای جمهوری اسلامی خواهد داشت.

اگر روند این پرونده را از همان آغاز دنبال کنیم، روشن است که در جریان

در صفحه ۲

لبخند بزنی!

سلام من شما را باد

خلاصه ای از اطلاعیه ها

و بیانیه های سازمان

۴

عواقب احتمالی منازعه دولت آمریکا و جمهوری اسلامی

تمام تحولات این پرونده و پیچیدگی های آن، در عمل آن سیاستی پیش رفته است که دولت آمریکا از ابتدا خواهان آن بود. یعنی کشاندن پرونده به شورای امنیت. این سیاست آمریکا نیز نه صرفاً به خاطر تصمیم گیری سریع تر بر سر مسئله هسته ای، بلکه تسویه حساب با جمهوری اسلامی بر سر اختلافات متعدد بوده است.

واقعیت این است که دولت آمریکا با جمهوری اسلامی، تضادها و اختلافات متعددی دارد که نه تنها در طول چندین سال گذشته حل نشده، بلکه پیوسته تشدید شده اند.

به رغم این که استقرار جمهوری اسلامی در ایران محصول توافق بین المللی قدرت های بزرگ جهان، از جمله امپریالیسم آمریکا برای درهم شکستن انقلاب ایران و سرکوب جنبش کارگری و کمونیستی بود، اما از همان بدو به قدرت رسیدن هیئت حاکمه جدید به رهبری خمینی، تضادی میان جمهوری اسلامی با دولت آمریکا از موضع بنیادگرایی اسلامی و غرب ستیزی آن، همواره وجود داشته است. تا زمانی که بلوک شرق و در محور آن شوروی وجود داشت، و وظائفی که بر عهده جمهوری اسلامی در چارچوب استراتژی کمر بند سبز قرار گرفته بود، این تضاد راتحت الشعاع قرار می داد. حتا اشغال سفارت خانه دولت آمریکا در ایران توسط طرفداران خمینی نیز در آن مقطع نتوانست به یک مسئله جدی و حیاتی برای دولت آمریکا تبدیل شود. معهداً، این تضاد وجود داشت و عمل می کرد، ولو این که در آن مقطع مسئله ای جدی نبود. تنها در مقطع دیگری یعنی پس از پایان دوران جنگ سرد است که این تضاد برجسته می شود. مخالفت جمهوری اسلامی با موجودیت دولت اسرائیل که تنها به مخالفتی لفظی محدود نشد، بلکه به سازماندهی گروه های مسلح بنیادگرای اسلامی در لبنان و فلسطین نیز انجامید، عامل دیگری بود که این تضاد میان دو دولت جمهوری اسلامی و آمریکا را باز هم تشدید نمود. در نتیجه این تضادها و اختلافات، امپریالیسم آمریکا که

در دوران رژیم شاه، بخش عمده بازار ایران را در اختیار داشت، تدریجاً این بازار را از دست داد.

با پایان گرفتن دوران جنگ سرد و تقسیم مجدد بازارهای جهان، امپریالیسم آمریکا سلطه انحصاری بر کل بازارهای منطقه خاور میانه، از جمله به دست آوردن مجدد بازار ایران که اکنون عمدتاً در اختیار اروپا قرار گرفته بود را در دستور کار قرار داد. منازعه میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی تشدید شد. بوش، جمهوری اسلامی را در محور شرارت قرار داد و علناً خواهان برافتادن آن گردید.

اگر دولت آمریکا در پی حمله نظامی به عراق و اشغال این کشور، توانسته بود سریعاً بر اوضاع مسلط شود، چه بسا تاکنون به اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی و لشکر کشی به ایران نیز دست زده بود. اما ناتوانی آمریکا در عراق و بن بست لاینحلی که با آن روبرو گردید، وی را ناگزیر به عقب نشینی واداشت. اما این بدان معنا نبود که از تعقیب سیاست های خود در تمام منطقه خاور میانه، به ویژه ایران دست بردارد. مسیر پیچیده تری را دنبال نمود تا برای مقابله با جمهوری اسلامی برخی قدرت های امپریالیست دیگر را متحد خود سازد و برخی را خنثا و بی طرف سازد.

برنامه هسته ای جمهوری اسلامی توجیه و دست آمیز مناسبی در خدمت پیشبرد این سیاست بود. چرا که قدرتهای اروپائی نیز بر سر این مسئله با آمریکا هم نظر بودند که جمهوری اسلامی نباید به سلاح هسته ای دست یابد. با این همه، اختلافی در اینجا وجود داشت. قدرت های اروپائی بادر نظر گرفتن منافع اقتصادی خود در ایران و اهداف و مقاصد

استراتژیک آمریکا در خاور میانه، مخالف هرگونه اقدام قهری در هر سطح آن بودند و مذاکره و راه حل دیپلماتیک را سیاست خود اعلام نمودند، تا بدین طریق ابتکار عمل را نیز در حل و فصل این مسئله در دست خود بگیرند.

جمهوری اسلامی که در پی لشکر کشی نظامی آمریکا به افغانستان و عراق، موقعیت خود را به شدت در خطر می دید، سریعاً طرح اروپا را پذیرفت و تا متوقف ساختن کلیه فعالیت های هسته ای خود عقب نشینی کرد. دولت آمریکا نیز به ناگزیر طرح اروپا را پذیرفت. اما می دانست که بدون حضور وی و امتیازاتی که جمهوری اسلامی می خواست، مذاکرات به بن بست خواهد رسید و آن گاه قدرت های اروپائی به ناگزیر طرح آمریکا را برای ارجاع پرونده به شورای امنیت خواهند پذیرفت.

در جریان مذاکرات دوساله قدرت های اروپائی با جمهوری اسلامی، دولت آمریکا با توسل به تاکتیک ها و مانورهای مختلف کوشید که هیچ گونه امتیازی بر سر مسئله هسته ای به جمهوری اسلامی داده نشود و این عملاً به معنای بن بست مذاکرات و شکست طرح اروپا بود. با به بن بست رسیدن این مذاکرات و آغاز فعالیت های هسته ای از سوی جمهوری اسلامی، دولت آمریکا به هدف خود در همراه سازی قدرت های اروپائی برای ارجاع پرونده به شورای امنیت، دست یافت. در اینجا بود که آمریکا می بایستی دو قدرت کم اهمیت تر یعنی روسیه و چین را نیز با خود همراه سازد. هنگامی که روسیه طرح خود را با مشارکت چین برای حل بحران در چارچوب آژانس ارائه داد، آمریکا به این اهداف خود نیز دست یافته بود، چرا که پیشاپیش روشن بود جمهوری اسلامی دیگر در شرایطی نیست که بتواند طرح روسیه را بپذیرد. باشکست طرح روسیه برای غنی سازی اورانیوم در خاک این کشور، دیگر نمی توانست مخالفتی از سوی روسیه، چین برای ارجاع پرونده به شورای امنیت وجود داشته باشد. در عمل نیز چنین شد و این پرونده به شورای امنیت رفت. اکنون دیگر آمریکا برای پیشبرد سیاست خود نیازی به حمایت نمایندگان چندین دولت، همانند شورای حکام آژانس ندارد. بلکه مهم، توافق ۵ دولت است که به دست آوردن

کمک های مالی

کانادا

نفیسه ناصری	۱۰ دلار
ستاره	۲۰ دلار
لاکومه	۵۰ دلار

عواقب احتمالی منازعه دولت آمریکا و جمهوری اسلامی

مشارکت نیز از هم اکنون آماده اند بی کم وکاست مجری سیاست های آمریکا واروپا باشند که در آن صورت از حمایت تقریبا تمام اپوزیسیون های بورژوائی رژیم نیز برخوردار خواهند بود. اما معضل این راه حل بورژوائی داخلی و بین المللی در این است که جناح مسلط کنونی که اکنون تقریبا تمام قدرت را در دست دارد، به سادگی تسلیم نخواهد شد، چراکه تمام هستی و موجودیت خود را در خطر می بیند. از این رو به مقاومت خود ادامه خواهد داد. این مقاومت البته نمی تواند مدتی طولانی دوام آورد و نتیجه حتمی آن برافتادن جمهوری اسلامی در کلیت اش، به همراه یک رشته تلاطمات و درگیری ها خواهد بود. اما این که برافتادن جمهوری اسلامی چگونه و توسط چه کسی انجام بگیرد، توسط کارگران و زحمتکشانش یا قدرتهائی از خارج و از بالای سر توده مردم، د نتیجه به کلی متفاوت در پی خواهد داشت. اولی نجات بخش توده های مردم ایران خواهد بود و دومی نتایجی مخرب تر از وضعیت کنونی عراق به بار خواهد آورد.

کند و کمترین اش این است که از هم اکنون حمایت قدرت های اروپائی رانیز به دست آورده است. این که سرانجام این مسئله در جزئیات به کجا خواهد انجامید و چه روندی را در این میان طی خواهد کرد، قابل پیش بینی نیست، اما یک نکته از هم اکنون مسلم است.

جمهوری اسلامی نمی تواند در برابر اقدام متحد قدرت های بزرگ جهان، یا لاقول مهم ترین آنها، دوام آورد. یا باید تسلیم شود و سیاست آنها را بپذیرد، که در آن صورت، با یک رشته تحولات و جابه جایی های درونی هیئت حاکمه و تغییراتی در مختصات کنونی جمهوری اسلامی همراه خواهد بود. این شق، البته مطلوب ترین و بی دردسر ترین حالت، به ویژه برای دولت آمریکا، دولت های اروپائی و بخش بزرگی از طبقات سرمایه دار و مالک در ایران است. چون یک چنین تحولی بدون تلاطمات و برهم خوردن ثبات نظم موجود انجام خواهد گرفت. جناح هائی از رژیم و گروه های وابسته به آنها نظیر جبهه

آن برای آمریکا کار دشواری نیست. ناگفته روشن است که در اینجا نیز اختلافاتی میان این ۵ کشور عضو وجود دارد و هر یک از زاویه منافع خود به مسئله می نگرند، اما دولت آمریکا در اینجا نیز همانند دورانی که پرونده در آژانس قرار داشت، تلاش خواهد کرد باتوسل به تاکتیک ها و مانورهای مختلف، گرفتن امتیاز و دادن امتیازات به دیگر اعضاء، گام به گام آنها را به دنبال خود بکشد.

روندی که این پرونده در شورای امنیت طی خواهد کرد، هرچه می خواهد باشد، مسلم است که شورای امنیت قطعا تصمیماتی علیه جمهوری اسلامی اتخاذ خواهد نمود. این تصمیمات از صدور قطعنامه برای متوقف ساختن هرگونه فعالیت هسته ای توسط جمهوری اسلامی آغاز می گردد و در ادامه خود به تصمیماتی در سطوح مختلف تحریم اقتصادی و سیاسی خواهد انجامید. مع هذا همان گونه که گفته شد، دولت آمریکا که در این میان چیزی از دست نخواهد داد، به این حد قانع نیست و برای اجرای اقدامات بعدی از جمله اقدام نظامی تلاش خواهد کرد. سران دولت آمریکا مقاصد خود را پنهان نمی کنند و آشکارا اعلام کرده اند که با وجود جمهوری اسلامی، کل سیاست منطقه ای آنها در ابهام خواهد ماند. از همین نکته نیز روشن است که در جریان تحولات آتی منازعه میان آمریکا و جمهوری اسلامی تمام احتمالات مطرح خواهند بود.

اگر فشارهای سیاسی و دیپلماتیک و تحریم اقتصادی، نتیجه ای را که دولت آمریکا می خواهد، به بار نیاورد، در آن صورت درگیری نظامی احتمال بیشتری خواهد یافت. به ویژه که قدرت های اروپائی نیز بیش از پیش به این نتیجه رسیده اند که باید با آمریکا متحد عمل کنند.

روشن است که مسئله درگیری نظامی و جنگ در ایران، پیچیدگی هائی به مراتب بزرگ تر از عراق خواهد داشت، اما سواى این که به هر حال این آخرین احتمال است، این را نیز نمی توان نادیده گرفت که امپریالیسم آمریکا با توجه به تجربه عراق، در جریان منازعه خود با جمهوری اسلامی، پیچیده تر عمل می

۱۹ اسفند ۵۷ اولین شماره نشریه کار انتشار یافت.

بیست و هفت سال از انتشار مستمر نشریه کار گذشت.

بیست و هشتمین سال انتشار نشریه کار را

با ایمان به پیروزی طبقه کارگر ایران آغاز می کنیم.

آرشیو نشریه کار، از شماره ۱ تا ۴۰۰ در چهار CD

آماده توزیع است.

علاقمندان می توانند، برای خرید آن، از طریق E-Mail

سازمان تماس بگیرند.

خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

”گسترش اعتراضات کارگری“ عنوان اطلاعیه ای است که در تاریخ ۱۴ اسفند ماه انتشار یافت. در این اطلاعیه گفته شده است که اعتصابات و اجتماعات اعتراضی در حال گسترش است. اطلاعیه سپس به تعدادی از این اعتراضات اشاره می کند و می گوید: ۱۵۰ تن از کارگران شیشه میرال که ماه هاست در شرایط وخیم معیشتی به سر می برند با تجمع و برافروختن آتش در مقابل در ورودی کارخانه خواستار پرداخت یازده ماه حقوق و مزایای معوقه خود شدند. صدها کارگر شرکت صنایع پوشش رشت نیز امروز با تجمع و آتش زدن لاستیک، جاده رشت- انزلی را به مدت چند ساعت مسدود ساختند. امروز همچنین صدها تن از کارگران شرکت ایران برک رشت در مقابل اداره کل صنایع دست به تجمع و اعتراض زدند و خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند. کارگران نساجی رحیم زاده اصفهان و معدن سنگرود نیز به مبارزه و اعتراض خود ادامه می دهند. کارگران شرکت واحد نیز به رغم تمام فشار و سرکوب با تجمعات اعتراضی در مقابل اداره کار و دیوان عدالت اداری رژیم خواستار بازگشت به کار و تحقق سایر مطالبات خود هستند.

در پایان اطلاعیه، سازمان ما از مبارزات و مطالبات کلیه این کارگران حمایت نموده و خواهان تحقق فوری و کامل مطالبات آنها شده است.

در تاریخ ۲۰ اسفند، سازمان ما با صدور اطلاعیه ای تحت عنوان ”اعتصاب در معدن زغال سنگ کرمان و مخالفت کارگران با خصوصی سازی“ از این اعتصاب و مطالبات کارگران حمایت نمود.

در این اطلاعیه آمده است که یک هزار تن از کارگران معدن زغال سنگ ”همکار“ واقع در منطقه پابدانای کرمان دست به اعتصاب زده اند. اعتراض کارگران به پائین بودن دستمزدها، نبود امنیت شغلی، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، قراردادهای موقت،

تظاهرات زنان به مناسبت روز جهانی زن در تهران سرکوب شد

ضرب و شتم عمال رژیم قرار گرفت. مزدوران رژیم شرکت کنندگان در مراسم را تا خیابان های اطراف تعقیب و تعداد زیادی از آنان را دستگیر کردند. جمهوری اسلامی با سرکوب تظاهرات زنان یک بار دیگر چهره ی سرکوبگر و ارتجاعی خود را به نمایش گذاشت.

در تظاهرات پارک دانشجو حدود ۱۰۰۰ تن شرکت داشتند.

در تهران تظاهرات دیگری در پارک لاله برگزار شد که پس از حمله نیروهای انتظامی پایان یافت.

در سنج روز سه شنبه ۷ مارس مراسمی در گرمیداشت روز جهانی زن برگزار شد. در این مراسم علاوه بر قرائت شرح تاریخچه ۸ مارس، سخنرانی هایی از جمله در باره تشکیل ها و جنبش های زنان، خشونت، و دفاع از حقوق کودکان ایراد شد.

در خارج از ایران نیز مراسم مختلفی از سوی فعالان و کانون های مختلف زنان برگزار شد. از جمله جمعی از فعالان سیاسی و فعالان جنبش زنان راه پیمائی سمبلیکی از شهر فرانکفورت در آلمان به سمت دیوان بین المللی در شهر لاهه انجام دادند.

مدتی پیش از ۸ مارس روز جهانی زن، جنب و جوش و تلاش برای سازماندهی مراسم بزرگداشت روز زن در ایران محسوس بود. در تهران، ”هواداران حرکت جهانی زنان“ و ”جمع هم اندیشی فعالان جنبش زنان“ از مدافعان حقوق زنان خواستند در مراسمی که بعد از ظهر روز ۸ مارس در پارک دانشجو برگزار خواهد شد، شرکت کنند. در روز مقرر، ساعتی قبل از ورود شرکت کنندگان در مراسم، نیروهای انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی، پارک دانشجو و خیابان های اطراف آن را قرق کردند. رفته رفته شرکت کنندگان وارد محوطه شدند. بسیاری از آنها پلاکارد در دست داشتند که مفادی از قطعنامه مراسم، و برخی مطالبات زنان بر روی آنها نوشته شده بود. نیروهای انتظامی تلاش کردند زنان را متفرق کنند. زنان بی اعتنا به آنها به خواندن ”سرود همبستگی“ پرداختند. نیروهای انتظامی به تجمع کنندگان حمله ور شدند و به ضرب و شتم آنان پرداختند. تعداد زیادی از شرکت کنندگان مضروب، تعدادی به درون جوی آب پرتاب شدند. سمین بهبهانی نیز مورد

تبعیض در پرداخت ها و خصوصی سازی است. کارگران همچنین خواستار برچیده شدن شرکت های پیمان کاری اند. این اعتصاب از یک هفته پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

اطلاعیه می افزاید که کارگران شرکت برق منطقه ای استان فارس نیز در

اعتراض به خصوصی سازی این شرکت برای سومین روز متوالی در برابر این شرکت دست به تجمع زدند.

در این اطلاعیه از مطالبات کارگران معدن زغال سنگ ”همکار“ و کارکنان شرکت برق منطقه ای استان فارس حمایت شده است.

گرامی باد

خاطره کمون پاریس

نخستین

حکومت کارگری جهان

نگاهی به مبارزات کارگری طی یک ماه گذشته

و مزایای خود را طلبکارند در یک ماه اخیر کارگران معدن سنگرود، شرکت واحد تهران و حومه، ایران برک، "شرکت ملی ساختمان" ایلام، "قطعات فولادی" کرج، "چینی ارس" تبریز، "لامپ الوند" قزوین، کارخانه های فرنخ و مه نخ قزوین، صنایع پوشش گیلان، شرکت های سدسازی "زیگورات" و "پرلید" ایلام، "ایران صدرا" بهشهر، "سیمان بوهروک" مهریز یزد، نساجی تبریز، "مقره سازی ایران" ساوه، "ریسندگی رحیم زاده" اصفهان، ایران الکتریک (توشیبا) رشت، معدن ذغال سنگ "همکار" پادانای کرمان، شرکت برق منطقه ای فارس، نساجی غرب کرمانشاه، "گوشت آوران" شهرستان بهار، عسلویه و ایران خودرو در اعتراض به زیر پا گذاشتن حقوق مسلم کارگران به اعتصاب، تجمع در محل کار و یا مقابل سازمان های دولتی، اعتصاب غذا، بستن جاده و آتش زدن لاستیک، برپا کردن آتش در کارخانه، و گروگان گیری دست زدند. و این همه، در بر گیرنده تمامی کارخانه ها و اعتراضات کارگری نیست.

مهم ترین خواسته ی کارگران در اعتراضات ماه گذشته و به روال ماه های قبل را می توان پیگیری مطالبات و حقوق عقب افتاده شان دانست. در کنار آن می توان اعتراض به خصوصی سازی و بیکار سازی و نیز عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را از جمله خواسته های مهم کارگران در این اعتراضات دانست.

اگر چه کارگران هم چنان فاقد تشکل های مستقل خود هستند و سندیکای شرکت واحد به مثابه ی برجسته ترین تشکل مستقل کارگری به شدت از سوی رژیم سرکوب شد. اما اشکال اعتراضی کارگران هر آینه تندتر می شود. در ماه های اخیر و به ویژه ماه گذشته بستن جاده و آتش زدن به عنوان یکی از اشکال اعتراضی بارها از سوی کارگران مورد استفاده قرار گرفت. در معدن ذغال سنگ "همکار" کارگران با بستن جاده ورودی به معدن، مانع ورود کارگران بخش دولتی به معدن شدند و با این کار کل فعالیت های معدن را تعطیل کردند. در این میان کارگران توشیبا رشت یکی از مسولان شرکت را برای چند ساعت به گروگان گرفتند که در پی مذاکره فرماندار رشت با کارگران، گروگان فوق آزاد شد. به قول کارگران شیشه میرال: "شما هم اگر جای ما بودید همین کار را می کردید."

جمعی از کارگران معدن سنگرود نیز دست به اعتصاب غذا زده اند که مدام به تعداد شان افزوده می شود. این کارگران که ۱۳ ماه حقوق خود را طلب کردند بارها دست به تجمع در مقابل نهادهای مختلف حکومتی زدند، اما هرگز نتیجه ای به دست نیاوردند و هر بار مسولین حکومتی با دادن وعده کارگران را مشغول می کردند. اما اکنون کارگران می گویند که "قول های مسولان اعتباری ندارد و این بار تا رسیدن به خواسته های مان به اعتراض ادامه خواهیم داد."

در این میان رژیم که با تشدید امواج اعتراضات کارگری روبرو است در مقابل اعتصاب چند ساعته ی کارگران ایران خودرو به زانو درآمده و قول داد که پاداش رکورد تولید را به روال سال قبل به کارگران بپردازد (اگر چه حراست سعی کرد با تهیه فیلم از حرکت کارگران آن ها را بترساند). اما جدا از کارگران ایران خودرو، اکثر اعتصابات اخیر بدون جواب مانده و کارگران در عمل به نتیجه مطلوبی نرسیدند. کارگران قطعات فولادی کرج، ایران صدرا بهشهر و چینی ارس از جمله معدود کارگرانی بودند که با اعتصاب به بخشی از خواسته های خود دست یافتند. اما در اکثر کارخانجات این نتیجه به دست نیامد. به طور مثال کارگران نساجی تبریز بعد از ۴۰ روز اعتصاب، تنها با وعده ی مسولین درجه چندم بر سر کار خود بازگشتند. می توان گفت که موقعیت کارخانه از نظر تولید و سوددهی و حتا موقعیت استراتژیک یک کارخانه در میزان موفقیت و یا عدم موفقیت کارگران نقش داشته است.

در راستای مقابله با اعتراضات کارگری، "حکومت اسلامی" متناسب با شرایط به مقابله برخاست. در جایی مانند شرکت واحد دست به سرکوب شدید زد و در جای دیگر مانند شیشه میرال تنها سعی در کنترل اوضاع داشت. از سوی دیگر دستگیری کارگران معترض از سوی رژیم اوج گرفته است. جدا از کارگران شرکت واحد، یکی از نمایندگان مجلس اسلامی اعلام کرد که ۲۰ نفر از کارگران فرنخ و مه نخ در جریان اعتراضات کارگری دستگیر شده اند. هم چنین یکی از نشریات "اصلاح طلب" از اخباری سخن گفته که حاکی از دستگیری گسترده کارگران در استان گیلان است. بیکار سازی یکی دیگر از معضلاتی است که کارگران با آن روبرو هستند و بسیاری از کارگران به ویژه قدیمی و پا به سن گذشته با

اخراج از کارخانه به دلیل تعطیلی و یا تعدیل نیرو و به بهانه ی ضرردهی، شانس کمی برای پیدا کردن کاری دیگر دارند. تنها در ماه اخیر چندین هزار کارگر به همین بهانه بیکار شده اند. در این رابطه می توان به طور نمونه به تعطیلی کارخانه های "ایران سرنگ" قزوین، "بلر"، "اسپارت ماشین تول" گیلان، قند قهستان و ۳۰ کوره آجرپزی در منطقه محمود آباد شهرری اشاره کرد. در منطقه محمود آباد شهرری با تعطیلی ۳۰ کوره آجرپزی، ۲۵۰۰ کارگر بیکار شدند. علت تعطیلی این مراکز پایین آمدن تقاضای خرید به علت پایین آمدن ساخت و ساز در استان تهران به ویژه شهر تهران اعلام شده است.

در این میان ۲۰۰ کارگر قراردادی کارخانه تولیددارو با سابقه ۲ تا ۱۲ سال کار اخراج شدند و به آن ها گفته شده که تنها از طریق بیمانکار می توانند به کار خود در کارخانه ادامه دهند. داستان کارگران تولیدارو در واقع داستان همان "کلاه شرعی" است که این بار حکومت اسلامی می خواهد بر سر کارگران قراردادی بگذارد.

در پایان نگاهی داریم به وضعیت کارگران شرکت واحد. سندیکای شرکت واحد به دنبال سرکوب اعتصاب و دستگیری کارگران، تاکنون چندین تجمع برگزار کرده و چندین اطلاعیه منتشر کرده است. یک بار تجمع در مقابل مجلس در تاریخ ۲۶ بهمن که با حضور نیروهای امنیتی و ماموران حراست شرکت واحد، کارگران متفرق شده و در عمل تجمع شکل نگرفت و دو بار تجمع در برابر دفتر مرکزی شرکت واحد. کارگران در این تجمعات بر خواسته های خود تاکید دوباره داشتند و بیش از هر چیز خواستار بازگشت به کار کارگران شدند. هم چنین در اطلاعیه های منتشره از سوی سندیکا ضمن تاکید بر خواست های کارگران و آزادی کارگران زندانی، اسامی ۸ کارگر زندانی اعلام شده که ۶ تن از اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد یک کارگر ایران خودرو و یک کارگر فلزکار هستند. هم چنین در این اطلاعیه ها از تشکلات کارگری در سراسر جهان تقاضای حمایت شده و به تعیین پایه حقوق ۱۵۰ هزار تومانی برای سال ۸۵ اعتراض کردند. سندیکای شرکت واحد هم چنین اطلاعیه ای به مناسبت ۸ مارس صادر کرد.

اگر چه کارگران زندانی توانستند با خانواده شان ملاقات داشته باشند اما منصور اسانلو هم چنان از دیدار خانواده محروم است. و بالاخره در آخرین تلاش رژیم برای سرکوب سندیکا اسامی ۴۶ کارگر شرکت واحد که از سوی مدیریت اخراج شده اند اعلام شد.

لبخند بزَن!

۲۵ اسفند سال روز جان باخته گان فدایی ست.
۲۵ اسفند یادآور همه ی آن لحظات سختی ست که از سپاهکل تاکنون داشته ایم.
 همه ی آن لحظات سخت با همه ی آن عظمت و شکوه شان.
 لحظاتی که در آن رنگ ها رنگ باختند و بر صفحه ی سیاه تنها لکه های خونی بود.
۲۵ اسفند یادآور رفیقانی است که با خون شان پیمان شان را جاودانه کردند.
 گفتند و چه زیبا و باشکوه. «نه» رفیقانی که در نبردهای نابرابر، به حامیان "جهل و سرمایه"

۲۵ اسفند سال روز جان باخته گان فدایی ست.

لبخند بزَن!

حامیان "جهل و سرمایه"، در وحشت شان، هنوز ردپای سپاهکل را در کارخانه ها و در هر کوی و برزن جستجو می کنند.

لبخند بزَن!

پریشان شان می کند. «فدایی» هنوز نام تو

هنوز کابوس شان ی

هنوز فریادت در دل کوه های زنجیر شده ی البرز طنین افکن است.

لبخند بزَن!

سینه کش های کوه نام تو را به یاد می آورند

و کوه نوردهای آشنا را.

۲۵ اسفند سال روز جان باخته گان فدایی ست.

از کدام لحظه بگویم؟! از کدام اتفاق!؟

از دست اش که در دست ام آرام گرفت یا از چشمان زیبای اش که برق می زد و بر چشمان من خیره شده بود؟

از دردی بگویم که در زیر شکنجه تحمل می کرد یا درد من که از درد او بر خود می پیچیدم؟ به راستی کدام یک دردناک تر است؟

از کدام لحظه بگویم؟! از کدام اتفاق!؟

از این که با "رود" و "باد و توفان" (۱) و بر فراز شانه های مان بدرقه اش کردیم؟ بدرقه رفیقی که باید آخرین شب را در سلولی تنها و با دنیایی خاطره در انتظار چوبه دار به سپیده ی سحر می رساند.

و یا از نگاه اش که هم چون اولین نگاه اش بود که در اولین روز آشنایی بر من چشم دوخت؟ از این که بر دست هایم زنجیر بود. بر پاهایم زنجیر بود و من جز بدرقه چه توانستم کرد؟

۲۵ اسفند سال روز جان باخته گان فدایی ست.

از کدام لحظه بگویم؟! از کدام اتفاق!؟

از کدام خبر دردناک.

که او را دیگر نمی بینم؟ که او را کشته اند؟ که او را به جوخه های تیرباران سپرده اند؟ که او را به

تیر بسته اند؟ که او سریع تر از دشمن بود و با سیانور به زندگی اش پایان داد و حتا اگر لازم شد، در

کنار کودک ۴ ساله اش که فریادش بود که فریاد قلب اش بود که فرامرزش بود؟

۲۵ اسفند سال روز جان باخته گان فدایی ست.

هر روز با نام تو بیدار می شوم و با آواز هایت به خواب می روم.

هر روز "عباس آقا" ی ات را می بینم و اکنون هزار هزار

هر روز که به آن خیابان های لعنتی پا می گذارم و چهره ی کریمه فقر را می بینم.

آن روز که کارگر معدن "قلعه زری" در آتش سوخت و فریاد برنیاورد.

آن روز که کارگران خاتون آباد را به گلوله بستند.

آن روز و روزهای دیگر

همه ی آن روزهایی که چهره کثیف فقر بر چهره ی تکیده ی کودکان خیابان، زنان خیابان و بی خانمانان خودستایی می کند.

آوازت را به یاد می آورم

که سرشار از امید بود

امید به فردا.

"فردا رود غلطان شور افکن در دریا می خواند

خورشید از باغ خاور می روید بر دریا می تابد

موجی در موجی می بندد

بر افسون شب می خندد

با آبی ها می پیوندد."

پی نوشت:

۱- از ترانه سرودهای آفتاب کاران جنگ

این متن سروده ای است که یکی از زندانیان سیاسی در سلول های انفرادی و در بهار سال ۶۳ در شکل نامه برای خانواده اش می نویسد و از طریق موریس برای رفیق هم‌رزم اش می خواند! و از آن سال به بعد در حافظه رفیق هم‌رزم اش باقی ماند و هر سال و در پیشواز بهار به عادت روزهای انفرادی در ذهن اش تکرار کرد و خواند.

سلام من شما را باد

به روی جلگه های عشق در جولان
تا با تیغ تیز خود
زمستان و سکوت سرد آن را برکنند از جا
سواران بهاران یکه تازان
با اسب های شیهه زن
خروشان اندرون تابش خورشید نورافشان
در دست هاشان هزاران بیرق لاله
نگه کن مادران را بین
که دارند سبزه های عشق را می کارند اینک
اندرون سرزمین شورش و غوغا.

به زیر بیرق لاله رسند از راه
قشون نوبهاران فاتح و پیروز
در استقبال بهار زندگی پرور
کودکان با انفجار خنده های خویش
سرود زندگی را می کنند فریاد
و مادرها
سبزه ها را
به میان کودکان
این غنچه های نوبهار آرند.

سلام من شما را باد
عزیزان بهار اندیش
بهاران می رسد از راه
زمستان سیه پیشه
هراسان از خروش سبز گندم زاران
با بیرق لاله
شبیخون هزاران غنچه را ناظر.

زمستان ناتوان از ظلم و بیداد زمستانی
ژاژخواهی می کند شاید
جوانه های پیش هنگ بهاران را
با سوز و سرمای اش بخشکاند
و لیکن
بی نهایت غنچه های عاشق و بی باک

سینه های سبز خود را چاک
و قلب سرخ خود را چون شهابی شعله ور
نثار مقدم خورشید دوران ساز می دارند.

و خورشید سلحشور
سوار بر توسن امید انسان ها

از ۲۵ نفر زخمی شدند، هم چنین ده ها تن نیز دستگیر شدند. در روز ۲۰ اسفند نیز عوامل جنایت کار "نیروی انتظامی" در مرز پیرانشهر یکی از شهروندان کرد را می کشند که این جنایت منجر به درگیری در شهر پیرانشهر شده و در جریان درگیری حداقل سه نفر زخمی شدند.

رژیم جنایت پیشه "جمهوری اسلامی" از آن جا که قادر به پاسخگویی به خواسته های توده ها از جمله خواست های اقلیت های ملی ساکن ایران نیست، تنها راه را ایجاد خفقان در این مناطق می داند و در نتیجه با سرکوب شدید توده ها، همواره سعی در پیش برد اهداف خود داشته است و بی شک با توجه به مجموعه ی تحولات سیاسی، شرایط کنونی حکومت و بحران های حاد اجتماعی که نتیجه آن را در روی کار آمدن دولت احمدی نژاد می توان دید، این روند تشدید خواهد شد.

از صفحه ۱ اعدام، سلاحی برای سرکوب و اختناق

در اهواز و کشته شدن مردم غیرنظامی بگوید، نشانگر جعل و تزویر حکومتی است که همواره با این روش سعی در اختناق فکری میان توده ها و ارایه تصویری انحرافی از خواسته های آنان دارد تا بتواند از این طریق سرکوب شان را موجه جلوه دهد. جالب آن که وزرا و مدیران کنونی وزارت اطلاعات و کشور از اعضای همان دوره از فعالیت های وزارت اطلاعات هستند که دست به آن جنایت ها زده بودند. هم چنین در راستای سرکوب توده ها و خواسته های اقلیت های ملی، رژیم جمهوری اسلامی در روزهای پایانی بهمن ماه، تظاهرات آرام مردم ماکو را وحشیانه سرکوب کرد. در جریان این سرکوب، حداقل ۷ نفر از تظاهرکنندگان کشته و بیش

سال ها قبل در جریان ترور کشیشان در اصفهان و بمب گذاری در مشهد، رژیم "سازمان مجاهدین" را متهم به این کار کرد و تعدادی از هواداران این سازمان را با شکنجه و حتا روی تخت بیمارستان به نمایش تلویزیونی کشاند و سپس اعدام کرد. اما بعدها و در پی ترور جمعی از مخالفان سیاسی و نویسندگان از جمله زنده یادان مختاری و پروینده و متعاقب آن دستگیری تعدادی از ماموران وزارت اطلاعات، برخی از اطلاعات داخلی رژیم به مطبوعات درز کرد و از جمله این که ترور کشیشان در اصفهان و بمب گذاری در مشهد توسط وزارت اطلاعات انجام شده بود. اعدام و نمایش تلویزیونی فوق پیش از آن که بخواهد چیزی درباره ی واقعیت بمب گذاری

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany
آلمان

I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark
دانمارک

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland
سوئیس

Postbus 23135
1100 DP
Amsterdam Z.O
Holland
هلند

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada
کانادا

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱ (اقلیت)

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

شماره پیام گیر سازمان فدائیان (اقلیت):

۰۰۳۱ ۶۴۹۹۵۳۴۲۳

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No 473 march 2006

سال نو را

به مردم زحمتکش ایران تبریک می گوئیم

آخرین روزهای سال ۱۳۸۴ سپری می شود. زمستان به پایان می رسد. بهار فرا می رسد و سال نو آغاز می گردد.

آرزوی قلبی تمام مردم زحمتکش و تحت ستم ایران، همواره این بوده است که همراه با فرا رسیدن بهار و تحول در طبیعت که نشانه ای آشکار از حرکت و تغییر، نو شدن و زیبایی است، در زندگی اجتماعی و شخصی آنها نیز این تحول رخ دهد و سال نو، سالی سرشار از شادی و نشاط، آزادی و رهائی و رفاه و خوشبختی در زندگی انسان های زحمتکش و ستمدیده باشد.

این، یک آرزوی شریف و انسانی است. نشانه ای است از این حقیقت که انسان زحمتکش و تحت ستم حقا در دشوارترین شرایط، چشم انداز روشن آینده ای را که متعلق به اوست از دست نمی دهد. چرا که به ایستائی و سکون باور ندارد. خواهان تحول و دگرگونی است و باهمین نگرش، سال نو را آغاز می کند.

این بهبود و دگرگونی که انسان های زحمتکش و ستمدیده طالب آن هستند، تنها یک آرزو نیست. حکم جبری تاریخ و ضرورت سیر بالنده آن است. گرچه نیروهای بازدارنده تحول تاریخ، پاسداران ثبات و حفظ نظم موجود، می کوشند این تحول را به تاخیر اندازند، اما، سرانجام در برابر نیروی تحول طلب و دگرگون ساز که خواهان برانداختن موانع تاریخی و اجتماعی و تعالی انسان هاست، از پای در خواهد آمد.

مرتجعین حاکم بر ایران، این پاسداران کهنه پرستی و ارتجاع، یک سال دیگر توانستند، توده های مردم ایران را در اسارت نگه دارند و به حیات تنگین خود ادامه دهند. ادامه حیات این مرتجعین از آنجائی که مانعی است بر سر راه تحول و تکامل اجتماعی، مانعی است در راه آزادی و تعالی انسانی، جز عقب ماندگی و انحطاط و تشدید و خامت و وضعیت توده های مردم چیزی به بار نیاورد.

در سالی که اکنون آخرین روزهای آن سپری می شود، وضعیت مادی و معیشتی توده های کارگر و زحمتکش وخیم تر شد. بیکاری، فقر و گرسنگی افزایش یافت. اکثریت بسیار بزرگ مردم ایران در چنان شرایطی قرار گرفته اند که حقا قادر به تامین حداقل معیشت خود نیستند. در عرصه سیاسی نیز اختناق و سرکوب تشدید شد. رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با رشد روز افزون اعتراضات توده ای به وحشیانه ترین سرکوب علیه کارگران، زنان، معلمان، دانشجویان متوسل شد. تعدادی از مخالفین سیاسی را اعدام کرد و گروه کثیری از کارگران و روشنفکران را به زندان انداخت. با این وجود، مبارزات پیگیرانه ادامه یافته اند.

رژیم جمهوری اسلامی که با یک بحران داخلی روبروست و به رغم تمام تلاش مذبحخانه خود نتوانسته است، نارضایتی و اعتراض توده های مردم را تحت کنترل در آورد، با برسر کار آوردن احمدی نژاد به حیل دیگری متوسل شده است و در تلاش است در پوشش منارعه هسته ای، بحران داخلی را تحت الشعاع قرار دهد و توجیه دیگری برای تشدید سرکوب و اختناق و فشار به مردم ایران پیدا کند. قدرت های امپریالیست جهان نیز که اهداف و مقاصد ضد انسانی و توسعه طلبانه خود را در منطقه خاور میانه دنبال می کنند، با تشدید منازعه هسته ای که اکنون با فرستادن پرونده به شورای امنیت به مراحل حساسی وارد شده است، نه فقط در عمل به رژیم جمهوری اسلامی در پیشبرد سیاست های سرکوبگرانه اش یاری می رسانند، بلکه درجهتی گام بر می دارند که کمترین نتیجه آن علاوه بر فشارهای سیاسی، تحمیل فشارهای اقتصادی کمر شکن دیگری بر کرده توده های کارگر و زحمتکش و وخیمتر شدن وضعیت مادی و معیشتی آنهاست.

راه برون رفت از این وضعیت دشوار و پیچیده و مقابله باخطرات احتمالی و فجایع بزرگی که ارتجاع اسلامی و ارتجاع امپریالیستی می توانند به بار آورند، تشدید مبارزه کارگران و زحمتکشان برای برانداختن جمهوری اسلامی و به دست گرفتن قدرت سیاسی است. تنها این مبارزه است که نه تنها می تواند جلو فاجعه ای را که ممکن است مرتجعین به بار آورند بگیرد، بلکه مردم ایران را از اسارت و ستمی که با آن روبرو هستند نجات خواهد داد.

با آرزوی پیروزی کارگران و زحمتکشان در این مبارزه و دگرگونی نظم موجود، بهار و سال نو را به مردم زحمتکش ایران تبریک می گوئیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی